میزان سنگی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان

جعفر ابراهیمی شیرازی

انتشار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش: 1393/12/03
تاریخ دریافت: 1394/02/06

چکیده

عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران را منبع اصلی پیشرفت در منطقه می‌دانند و بر این باور است که ایران در پی ایجاد هلال شیعی برای نسل‌های مسلمانغیر مرز‌های فیزیکی است. این ایده را در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهند و محور اصلی این رقابت، رقابت ایده‌پردازی‌های بوده است. در سال‌های اخیر، روابط عربستان و ایران به دلیل تحولات سیاسی مهم در خاورمیانه پررنگ شده است. در منظر عربستان، سقوط صدام به منظور پایان سلطه ملی‌ها بر عراق و قدرت بازی شیعه و انتقال جاسوسی‌های ایران در منطقه بوده است. بس از تبادل تحولات اقتصادی جهان عرب به جنگ‌های داخلی، خوزستانی رقابت و تقابل ایران و عربستان از لحاظ و فلسفه به سوره، عراق، بحرین و بیشتر کشورها شد. به گونه‌ای که امروزه این حوزه‌ها به میدان جنگ‌های نیابتی این در رقابت متغیر و ایده‌پردازی تبادل شده است. پرسش اصلی مقاله حضور این است که رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان چه تأثیری بر جنگ‌های نیابتی در کشور داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان در خوزستان ایده‌پردازی، زیورآلات و زن‌آلات مربوط به جنگ‌های نیابتی میان این دو کشور شده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، عربستان، رقابت، اتحاد جمکران، نیابت

1.habib_shirazi@yahoo.com
مقامه

ایران و عربستان در یکینگار خلیج فارس و منطقه زلانستراتژیک خاورمیانه به شمار می‌روند. این دو کشور با دارا بودن ذخایر عظیم هیدروکربنی و موقعیت راهبردی در منطقه از اهمیت بسیاری برخوردارند. از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اصلی مسلمانان یعنی شیعیان و اهل سنت در یکینگار هر دو را به در کسب قدرت فرهنگی، فکری و مذهبی در جهان اسلام تبدیل کرده است (نادری نسب، 1389ه). ایران و عربستان تقریباً از دهه 1950 به این سو، یکدیگر را نزدیک هم می‌دانند. تنش و ناسازواری میان دو کشور پس از پهلوی دوم شکل گرفت و به دلیل متفاوت بودن حوزه‌های نفوذ در کشور در منطقه، سطح پیوسته‌ای از تنش را میان خود تجربه کرده‌اند (متقی، 1394ه). امریکا بر اساس سیاست دوستوسی نیکسون در دهه 1970 ایران و عربستان را سبک‌های دیسپلاشیات خلیج فارس می‌دانست. این تهدید نظامی را به گسترش ایران، نسبت به همسایگانش در خلیج فارس از جمله عراق و عربستان برتری داشت و حکومت پهلوی، نقش پارامیتری را به عنوان پلیس امریکا در منطقه ایفا می‌کرد. اما روابط ایران و عربستان مبتنی بر بازی برد-بایخت نبود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عربستان از تأثیر‌گذاری انقلاب ایران بر ملت‌های منطقه احساس تهدید می‌کرد. همچنین بر این باور بود که ایران در پی ایجاد هلال شیعه برای تسلط بر اعراب سبیل منطقه است. تردیدی نبود، عربستان و عراق صدام با یکدیگر متحد نبودند. اما سعیدی‌ها در عین حال نمی‌توانستند شاهد سقوط صدام باشند. سقوط صدام برای آنها به منزله پایان سلطه سریعاً بر عراق و کمک به قدرت‌پذیری شیعیان و ارتفاع جایگاه منطقه‌ای ایران در منطقه بود. سرنوشت صدام و شکل‌گیری روابط ندیکتی بین ایران و عراق سبب شد تا رهبران عربستان به این درک از تهدید بررسید که قدرت و نفوذ ایران افزایش یافته و توآرن قدرت منطقه‌ای در حال تغییر به نفع ایران است. عربستان، ایران را به مداخله در کشورهای عربی و تحريك ناباید‌ها متحمل کرده و آن را در راستای کاهش نفوذ و نقش منطقه‌ای خود و حتی تهدید وجودی برای حکومت‌های شورای همکاری خلیج فارس می‌دانند. پس از تبدیل تحولات انقلابی جهان عرب به جنگ‌های داخلی، حوزه‌های رقابت و تقابل ایران و عربستان از لبنان و فلسطین به سوریه، عراق، بحرین و یمن کشیده شد. به گونه‌ای که این حوزه‌ها به میدان جنگ نیابی‌ای این دور رقیب منطقه‌ای و ایدئولوژیک تبدیل شده‌اند (میرزاپور، 1393ه: 162–163).

1. Proxy War
چهارچوب نظری

جغرافیای نیابتی بر محور اتحاد بازیگران دولتی با یکدیگر یا حتی اتحاد آنها با بازیگران غیردولتی استوار است؛ لذا بايد به بررسی کلی مؤلفه‌های نظریه‌های اتحاد بردازیم. نظریه‌های اتحاد مبتنی بر رهیافت‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. رهیافت آرمان گرایی نقش ایدئولوژی را در شکل‌گیری اتحادها بسیار مهم ارزیابی می‌کند. در مقابل، رهیافت واقع گرایی در بررسی اتحادها بر قدرت کشورها و تهدیدهای خارجی تمرکز دارد. امروزه نظریه‌های اتحاد با دو گرایش کلی همچنان پیوسته: گرایش نخست این‌که بسیاری از نظریه‌پردازان واقع‌گرایا با تأکید بر مفروض‌های بیشین بر این بارند که نظریه‌های اتحاد همچنان به شکل سابق پا به گوستند. گرایش دوم نیز در کنار نظریه‌های بیشین اتحاد بر طرف جدیدی از نظریه‌های انتقال‌های موقت تأکید دارد و معتقدند تحولات ناشی از جهانی شدن موجب شده تا در انتقال‌های موقتی نیز شکل گیرد. به هر حال نظریه‌های اتحاد جدید، بینان نظریه‌های خود را همچنان بر اساس مفروض‌های واقع‌گرایانه قبیل بنا می‌کنند؛ در حالی که انتقال‌های متعدد با فاکتورهای نظامی نشانگی می‌شوند و در دنبال جدید اهداف سیاسی - اقتصادی در کنار اهداف نظامی مطرح شدند (قروام و ایمانی، 1391: 27-38).

استفن برگسمن عنصر اصلی اتحاد دا این‌گونه تعريف می‌کند: انتحاد عبارت است از توافقی صریح میان کشورها در حوزه امنیت ملی که در آن طرفها به طور متقابل وعده می‌دهند که به جریان توهمی از منابع خود را برای سرمایه‌گذاری هنوز مشخص نیست و ممکن است در آینده مرتب با آنها رخ دهد. اختصاص دهنده‌ای (برگسمن، 1977: 28-29). یکی از مسئولیتی که در مورد انتحاد قابل توجه است، رابطه اتحاد با جنگ است. هنوز بین نظریه‌پردازان روابط بین الملک در مورد انیکه آیا اتحادها به جنگ می‌انجامند یا به صلح، اختلاف نظر عمیقی وجود دارد (چمنی، 1393: 126-136). دولت‌ها زمانی به اتحاد و انتقال می‌پردازند که سود آن بیشتر از زیان آن باشد. مسئله بعدی در بحث اتحادها ایدئولوژی دولت‌های است. بروی از نظریه‌پردازان روابط بین ملل نقش ایدئولوژی را در شکل‌گیری اتحادها بسیار مهم ارزیابی می‌کند و معتقدند این ایدئولوژی متشکر است که سبب اتحاد و انتلاف دولت‌ها می‌شود. در حالی عادی کشورهایی با ایدئولوژی مشترک طبعاً راحت‌تر انتلاف می‌کنند، اما می‌توان گفت
کشورها در صورت مواجهه با تهدیدهای زیادی (مثل به خطر افتادن تمامی ارضی) دیگر بر این باور است که بسیاری از اتحادها شکل هایی از رفتار متوازن کننده هستند. وی همچنین می گوید کشورهایی دارای ایدئولوژی مشابه اغلب رقیب هستند که این مسئله از شکل گیری اتحاد میانشان جلوگیری می کند. نموده این رقابت ایدئولوژیک که از شکل گیری اتحاد جلوگیری می کند، باید بررسی شود (الت، 1987: 5). همکاری میان کشورهای عربی به دلیل شباهت ایدئولوژیک دشوار است. یک کشور می تواند به دلایلی به غیر از کسب نوعی از پاداش اقتصادی، نظامی یا نفوذ سیاسی به یک شریک یا متحد بدلیل شود.

در تبیین نظری جنگ نیابتی باید ممکن است که این نوع جنگ، کشمکشی میان دو کشور است که هر یک از آنها خود را به طور مستقیم دخیل نمی کند. در این جنگ، قدرت های مخالف، از یک نبرد ثالث (بازیکران دوستان یا غیردولتی خوشوند طلب و سربازان مزدور) به عنوان دست نشانه استفاده می کند. البته تلاش می شود گسترده بکارگیری این گروه ها در اندامزایی باشد که به جنگ تمامی عوارض منجر نشود. همچنین جنگ نیابتی نیابتی می تواند در کنار جنگهای تمام عوارض در دیده. تقیب یا غیر ممکن است که یک کشور کاملاً نیابتی باشد زیرا گروه هایی که برای یک کشور با کشورهای خاص می جنگند، معمولاً منافع خود را پیش می گرفتند که می تواند با معنای کشور حامی در تضاد باشد. به طور نموده، جنگ نیابتی نیابتی طی جنگ سرد، منطقی ترین و پیگیری ها را با معیارهای جنگ نیابتی داشتند زیرا به موازات ادامه جنگ سرد، این جنگ‌ها در هدایت کشمکش مسلمانه میان حداقل دو دشمن ضروری به نظر می رسیدن. همچنین تشدید جنگ‌های داخلی و مداخله بازی‌گران دولتی یا غیردولتی خارجی در حمایت از یکی از طرف‌ها می تواند به جنگ نیابتی بدلیل شود. عبارت جنگ نیابتی یا جنگ از طریق
نایب طی دوره جنگ سرد مطرح شد.

پس از جنگ سرد برخی از اندیشه‌ورزان روابط بین‌الملل این نظریه را مطرح کردند که تحول تاریخی پس از جنگ سرد، بروز کشکش و تعارض میان جوامع و حکومت‌ها را از بین برده است. به عبارت دیگر، با پایان رقابت‌ها و تعارض‌های ایدئولوژیک در جهان، حکومت‌ها و جوامع انسانی دوره‌ای پایدار از صلح لیریستی را تجربه خواهند کرد. در نظر آنها، پایان جنگ و رقابت‌های ایدئولوژیک در سطح کلان و سیطره مطلق ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری در قابلیت مفهوم جهانی شدن، بازتواند هنجارها و ساختارهای مشترکی را در جوامع و حکومت‌های گوناگون در بی خوهد داشت و بنیان سبب زیر سوال رفت. زیربنای فلسفی رقابت در جهان خواهد شد. در نطقه مقاله، عده‌ای دیگر از متفکران روابط بین‌الملل از جمله واقع گرایان و نوویجیان گرایان با این نظریه مخالفت و وزیده، مفهوم رقابت را عنصری بودند. و پایدار در روابط بین حکومت‌ها و قدرت‌ها می‌دانند. نطقه کلیدی نظریه آنها این است که چون در سطح روابط بین‌الملل قدرت برتر و غایی برای حلال تعارض میان حکومت‌ها وجود ندارد (والتر، 1964: 15)، از نگاه زوده‌پیگیری رقابت نوعی استبدادی گروهی در سطح روابط بین‌الملل است که نیازمند وجود حکومت‌ها، قدرت‌ها و یا سازمان‌های شیبی حکومت است و بسته به شرایط تکامل تاریخی، طی زمان اشكال مختلفی به خود می‌گیرد.

(از غنی‌دی، 1388: 57).

جنگ‌های نیابتی از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد معمول شده و جنیه تعیین کننده‌ی نبرد جهانی در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌رفت. این نوع جنگ عمداً به دلیل هراس از کشکش مستقیم امیریکا و شوروی و جلوگیری از بروز هولوکاست‌های ابتدای بود. این شرایط سبب شد جنگ‌های نیابتی به عنوان راهی ظاهر آبی‌ایمن و ناگهانی در تدارک دشمنی‌ها به کار گرفته شوند. همچنین دلایل فوری تری برای ظهور جنگ نیابتی در صحن جهانی وجود داشت. شوروی اغلب جنگ‌های نیابتی را به لحاظ اقتصادی کم‌هزینه‌تر از دیگر مستقیم می‌داند. به علاوه، گسترش رسانه‌های تلویزیونی و تاثیر آن بر درک عمومی سبب شد مخالفت افکار عمومی امیریکا با جنگ و ماجراجویی‌های برونز مزی افراش‌یابد. این موضوع به مسلح کردن نیروهای شوروی مانند حمایت از مجاویدن در جنگ شوروی و افغانستان منجر شد. جنگ‌های داخلی اسپانیا به عنوان جنگ داخلی میان ملی‌گرایان انقلابی، طرفدار فاشیسم و
حمایت جمهوری اسلامی آغاز شد، نیز به جنگ‌های نیابتی تبدیل شد. کشمشک اعراب و اسرائیل پس از شکست ائتلاف اعراب از اسرائیل در جنگ نخست، جنگ شش‌روزه و جنگ یوم کیبوت (جنگ رمضان) نیز وارد مرحله جنگ نیابتی شد.

طبق قرن بیستم کشورها به طور فراوان‌شده‌ای به جای درگیری نظامی مستقیم، به منظور دستیابی به اهداف نظامی یا شیب‌نظامی خود از گروه‌های نیابتی استفاده کرده‌اند. لازم است بیان شود که به منظور درک جنگ‌های نیابتی باید واقعیت‌گرایی در بخاطر پارادایم معاصر در نظام بین‌الملل و نیز هزینه‌های بالای مداخله نظامی مستقیم را درک کرد (لاورن، 2002: 33). در نگاه نخست، پدیده جنگ نیابتی ممکن است با واقعیت گرا در آنتی‌نپذیر باشد زیرا واقع‌گرایی به عنوان سنتی رویکردی کاملاً دستیار محرور در بالای نظام بین‌المللی دارد. مطالب نظامی واقع‌گرایی، به طور اصلی قدرت‌های بزرگ در همه جا به دنبال قدرت را به صورت متنده‌ای محدود می‌کند که به دلیل اینکه دولت‌ها دریافت‌کننده کم‌نمی‌توانند برای جنگ‌های غیردولتی ناپدید، به طور هزینه‌های آنها را به عنوان ابرهای منافع دولتی انتخاب کرده‌اند.

اگرچه به‌گرایش عوامل دست‌نشانده به ناپدیدی تمکن نیابتی از دست رفتن استقلال سیاست خارجی دارد، اما به‌گرایش آن‌ها گلی که در بین کشمکش‌ها یا جنگ‌ها، به‌دست خواهد خورد. دولت‌های اقتصادی به منظور نمایش قدرت نظامی، فراز از مرزهای خود از بزرگان دست‌نشانده‌ها ناپدید به شکل عمیقات مانع پنهان استفاده می‌کند. پارادایم نابودی مقابل، سبب شد دولت‌های امریکا و شوروی تا جنگ برد. در این نکته که جنگ مستقیم تأمین کننده مبتنی شده و به طور معنا نابودی آنها را به همراه دارد، به تکثیر بزرگ‌سازی دولتی و غیردولتی دست‌نشانده‌ها ناپدید.

دولت‌ها به دلیل وجود وقایع با جنگ‌های نیابتی شروع به طرح‌ریسم به عنوان ابزاری برای ارتقای قدرت در نظام بین‌الملل استفاده کنند؛ بدین انکه خطرات جنگ به عنوان سایر اشکال مداخله نظامی را تجربه کنند (کنراد، 2011: 53). اگرچه حمایت دولتی از ترویج احتمالاً مورد پشتیبانی روشن‌دخیل شدن در جنگ‌های نیابتی است، اما این پدیده به طور

1. Mutually Assured Destruction paradigm
چشمه‌گیری به گسترده‌ای افرادی آسیب‌زده و اسلامی در دوره پس از جنگ سرد بازمی‌گردد. طی جنگ سرد، امریکا و شوروی با ارائه یک شکل‌های مختلفی کمک به توقف‌های قبیل مانند جنگ‌های اعراب و اسرائیل وارد جنگ‌های نیابی شدند (بار، سیمون، تاریخ 1984: 232).

اصول جنگ نیایی به منظور کسب و گسترش نفوذ در یک حضور رقابتی مشترک صورت می‌گیرد. گاهی طرف‌های خودی ممکن تلاش می‌کنند، در زونالیتیک بیروتی خود بازی را پیش بردند و مطالب توانا، ناپاک‌تر که در یک حضور شدن تنها بخش و گشتی به زونالیتیک داخلی خود پرهیز و تا حد امکان آن را مهار می‌کنند. اصول جنگ‌های نیابی با اهداف مانند فرآیندهای تووان نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدولوژیک نیز صورت می‌گیرند. در گیرندازی طرف مقابل در جهان چندالی بین‌رودره فرآیندهای فرآیندهای متحرک جنگ نیابی است.

منافع ایدولوژیک، زونالیتیک، زونالیتیک، زونالیتیک و زونالیتیک می‌توانند بین‌های اتاق‌های جنگ‌های نیابی، ماه‌ها یا سال‌ها را شکل دهند. رقابت در سه حوزه زونالیتیک، زونالیتیک، زونالیتیک و زونالیتیک مشکل می‌گیرد. در تمام این سه حوزه، جغرافیای بین‌دریافت رقابت را تشکیل می‌دهد که در آن‌ها بر سر سیاست‌های ایدولوژیک و اقتصاد رقابت صورت می‌پذیرد.

در این میان، بازی‌گران غیردولتی با دولتی می‌توانند به عنوان نیای دیگری در این رقابت‌ها نقش آفرینی و شرایط را در آگاه جنگ نیابی فراهم کنند. این نوع جنگ ممکن است در بعضی‌ها اقدامات توریستی مشابه را که به بررسی تصمیمات اقتصادی آمریکا، عاملی محوری در روند جنگ‌های نیابی است. زونالیتیک نیز به بررسی تأثیرگذاری ایدولوژی (اعم از مذهبی و غیرمذهبی) بر محیط جغرافیایی و افزایش اهمیت راهبردی آن برای رقابت در محیط جغرافیایی می‌پردازد. در این حال، زونالیتیک به بررسی تأثیرگذاری اقتصادی (از جمله اقتصاد ارزی) بر محیط جغرافیایی و افزایش اهمیت راهبردی آن برای رقابت در محیط جغرافیایی می‌پردازد. به نظر می‌رسد حوزه زونالیتیک جدید ترین و تهیه‌آمیزترین حوزه رقابت باشد که می‌تواند رقابت را به سه حوزه دیگر نیز سرازی دهد. به‌ویژه آنکه رقابت در این حوزه می‌تواند به بنیادگرایی مذهبی و در نوع شدیدی آن به ترویج مذهبی منجر شود. در این سال‌ها، تلفات غیرنظامیان تا اندازه زیادی بالا می‌رود و شکاف نیز می‌شود. در این تنش‌ها، شکاف نیز می‌شود. حتی برخی بازی‌گران غیردولتی حاضر در رقابت زونالیتیک به طور
فراز و فرودهای روابط ایران و عربستان

روابط ایران و کشورهای خليج فارس در دوران حکومت پهلوی به‌شکل کاملاً متفاوت از دو دوره قدرت‌دهی به‌شکل پیشروی کشورهای خاورمیانه و به موجب آن به‌وجود آمدن دو قدرت اصلی ایران و عربستان در خلیج فارس در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۸ بر اساس سیاست‌های آمریکا بود. دولت آمریکا در دهه ۱۹۷۰ از ایران و عربستان در خلیج فارس علیه دو جماعه از جمله عراق و عربستان برخورد نکرد. این موضوع به‌صورت نظامی و به‌صورت روابط ایران و عربستان بر اساس این دو جماعت در آماده‌سازی و آماده‌سازی این دو جماعت از جمله نظامی و اقتصادی محسوب می‌گردد.

هرچند قدرت نظامی رو به گسترش ایران نسبت به همسایگانش از جمله عراق و عربستان بستری داشت (بنسلمان، ۲۰۰۳: ۷۷). در واقع، حکومت پهلوی نقش برنامه‌ریزی به عنوان پلیس آمریکا در منطقه ایفا می‌کرد. اما روابط ایران و عربستان بستگی بر بازی برده باخت نبود چون در این دوره از پروزی انقلاب اسلامی، عربستان از دیدگاه امام خمینی در حاشیه‌های تضاو سلطنت سعودی با اسلام و نیز تأثیرگذاری اهلی ناشی از انقلاب ایران بر ملت‌های منطقه احساس تهدید می‌کرد. به این دلیل، رقابت و تنگبندی ایران و عربستان بر سیاست‌های منطقه اماکنی تأثیر گذاشت. و این کشورهای ایران و عربستان نیز اسلامی از این طریق می‌توانند با ایران در یکی از مسائل به‌عنوان شرایط حکمرانی خلیج فارس در ۲۵ می ۱۹۸۱ با هدف مقابله با آنچه این کشورها آن را خطر انقلاب اسلامی می‌دانند، تشکیل شد (المخاوي، ۱۹۹۰: ۲۰-۳۹). در نخستین مراحل، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، موضوع بیشتری از ایران علیه پادشاهی بحرین، حس امتیاز جویی امکان‌پذیر را به‌پانگیخت. همچنین ایران متحمل به کمک برای کودتا در بحرین، دست داشتند در بمب‌گذاری‌های کویت و ناپدید شدن برای ترور امریکا این کشور و نیز تحکیم شورای عربستان به قیام شد. این در حالی بود که همه‌ساله در
ایام حج، ایران و عربستان بر سر برگزاری تظاهرات سیاسی حجاج ایرانی تنش‌هایی داشتند. سویاً عملاً تهران کنده روابط ایران و اعراب، به‌اهمیت عراق به‌خاک ایران در سال 1359 بود. عربستان و کویت هریهنایی مالی جنگ عراق را تأیین می‌کرده و این مسئله خشم ایران نسبت به آن دو کشور را تشکیل می‌داد. حمایت عربستان از عراق در جنگ هشتباله، روابط دو کشور را تهران کرد. عربستان در آغاز این جنگ علی‌العکس و طرفی کرده بود، اما گفتگوی می‌شد تا لیکد عربستان از عراق قلمداد کرد (زراعت پیشنهاد: 1384: 23). در همین دوره بود که شورای همکاری کشورهای عربی مصوب‌کننده‌برای حمایت عربستان برای اتحاد کشورهای منطقه در روابط تهران شکل گرفت.

یک سال پیش از پایان جنگ ایران و عراق (1366)، عربستان پروژه یک ساله احداث خط لوله 176 کیلومتری را آغاز کرد که هدف آن انتقال نفت عراق به دوی اسراف رخ است. در طی این جنگ عربستان بود. در پی رفتن جنگ ایران و عراق و ناامن بودن بندرهای خلیج فارس برای بروز نفت و جنگ نفت‌کشها، این خط لوله کمک برگزی برای عراق بود. ایران احداث این خط لوله را نشنالیستی از شبه‌ای عربستان با خود می‌کرد.

پس از انقلاب اسلامی، اعظام وزارت ایرانی به حج جنگ بار متوقف شده است. اجرای مراسم "پرانت از مشترکان" در جریان مراسم حج در سال 1366، منجر به کشتی شدن 170 نفر از حجاج ایرانی شد. پس از این کشتار، اعظام وزارت برای حج متوقف شد. پس از حمله به سفارت عربستان در تهران، این سفارتخانه تعطیل شد و اعظام زائر برای سه سال متوقف ماند.

با ایجاد تغییرات در جهت گیری سیاست خارجی ایران طی سال‌های 1368-1370، مناسبات ایران و عربستان به سوی بهبود رفت. اگرچه این کشور در طول جنگ عراق با ایران به آن کشور کمک کرده بود اما دولت هاشمی رفسنجانی با ازسرگیری روابط دیپلماتیک سعی در آتشنتی با آن کشور داشت. پس از حمله عراق به کویت در سال 1991، موضوع ایران در دفاع از حق حاکمیت کویت فضای منطقه را به نفع ایران تغییر داد و سفارت‌های دو کشور با گذارنامه شد (نادری نسب، 1389: 20). با وجود این، تا
پایان دو میلیون دوره ریاست جمهوری هاشمی، به دلیل اختلاف ایران با امور متحده بر سر حاکمیت جزایر سه گانه، مخالفت ایران با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان بر سر روند صلح اعراب و اسرائیل، رشد به سابقه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، عقد قراردادهای دوجانبه و اجرای رزمایش‌های نظامی مشترک آمریکا با تعدادی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، منابع ایران با دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس تیره و تار ماند (روحي ده‌ته، 1391: 79-112).

عربستان یکی از سه کشوری بود که حکومت طالبان در سال 1375 به رسمیت شناخت. ایران حمایت عربستان از طالبان را نوعی زمینه‌سازی برای بیثبات کردن کشوری در همسایگی اش تلقی می‌کرد.

در سال 1376، امیر عبدالله پادشاه عربستان، در نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران شرکت کرد و انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری را تبریک گفت و فصلی نازه در روابط با کشور کشور کشور دیدار بود. در دوره ریاست جمهوری هاشمی، سران دو کشور دیدارها با یکدیگر داشتند و از هاشمی به عنوان «معمار اولیه روابط دو کشور» یاد می‌شد. اما دوره ریاست جمهوری خاتمی کمک‌کننده‌اند نقش‌های اروپا و روابط دو کشور بوده است. روابط دو کشور کشور روابط فارس به رهبری عربستان را به ایجاد روابط حسنه ایجاد کرد. شرکت مشترک‌رانی این دولت‌ها در نشست سران تهران، به نویسی باینگر ارزیابی مساعدة ایران از دولت خاتمی بود، اما این به‌همن روابط پس از ۲۰۰۳ نداشت. در این مدت، با حمله امریکا به عراق، تنها در روابط دولت‌های ایجاد شد. با این حال، از این دوران با عنوان دوران طلا در روابط دو کشور با هم کتند. به‌طوری که وقتی احتمال حمله مستقیم امریکا به ایران زیاد بود، عربستان‌ها به دلیل حسنه‌نتی، مقام‌های ایران را از جزئیات طرح حمله احتمالی باخبر کردند (پایگاه خبری گری‌پن ۱۳۹۳، ۲۲).

ترور و قتل نخست وزیر وقت لبنان در بهمن ۱۳۸۲ عربستان را خشمگین کرد. عربستان که روابط ژاپنی‌ها به رفیق حزب الله داشت، سوریه متحد ایران را مسئول ترویج روابط می‌دانست. فشارهای بین المللی با هم‌هم‌ها عربستان باعث شد بیش از آنکه داده‌های رسمی‌گذی به قتل حریری به نتیجه قطعی بررسی، نیروهای سوریه خاک لبنان را ترک

[DOI: 10.20286/priw-050104]
کننده. پنج سال پس از این اتفاق، ملک عبدالله به ابتدا اسد دیدار کرد که بیضی این دیدار را نشان‌های تلافی عربستان پس از دور کردن سوریه از ایران تعیین کردند.

با وجود نگرانی عربستان از برنامه‌های ایران، روابط دو کشور تا زمان روی کار آمدن احمدی‌نژاد کمک‌کننده‌ی مانند در طول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد روابط سیاسی دو کشور تحت تأثیر روش‌های مختلفی و رقابت‌های سیاسی و نیز برجام اظهارات رئیس جمهور وقت، بار دیگر در محقق رفت. احمدی‌نژاد چند بار به عربستان سفر کرد، اما در نهایت این سفر‌ها پاسخ شورای بازرس بهبود روابط دو کشور نداشت. در دی ماه ۱۳۸۸ به دنبال اختلاف مقام‌های عربستان و ایران درباره

رفتن را به زائران، ایران اعتراف زائر باعث عمره را مخفی کرد.

خیزش شیعیان بحرین علیه حاکمتن این کشور به سبب شد تا عربستان ایران را به "تحریک شیعیان" بحرین مبنی کند. ایران هم از این اتفاق را در کرد انتظار کرد. مهر ۱۳۹۰، ایران به "تلاش برای تثبیت سفیر عربستان در واقعیت" مبنی شد. امیراکی اعلام کرد طرح نیروی قدس سیاسی پاسداران برای تثبیت سفیر عربستان در واقعیت را خشک کرد و در این رابطه، یک ایرانی به امریکا زندهی شده است. خرداد ۱۳۹۱ به دنبال اعلام خبر اعتصاب اهل ایران در عربستان به اظهار حمل مواد مخدر، کاردار این کشور در تهران به وزارت خارجه ایران احضار شد. ایران در اعتراض به این اعتصاب‌ها نماینده خود را برای کرت در مراسم خاک‌سپاری وی به‌عنوان عربستان نفرستان عربستان نیز چند روز بعد صدور رواجید برای زائران ایرانی را مخفی کرد.

در دوران به کنار ریاست تربیت سیاسی، روابط ایران و شوراهای ایرانی خلیج فارس تحتالشعاع توافق هسته‌ای اولیه ایران و گروه ۱+۵ قرار گرفت که در رأس این شورا، عربستان همسو با اسرائیل این توافق را نپذیرفتند. عربستان از لغو تحريم‌های ضدایرانی و ارتقای روابط ایران و امریکا و در نتیجه ضربه به یاریهای راهبردی عربستان در منطقه هرس دارد و همسو با اسرائیل بر توافق کامل غنی سازی در خاک ایران تأکید دارد.

البته در این میان دولت امریکا تلاش کرد علایه ایران اعطا شد و تضمین‌های مختلف به اسرائیل، نگرانی‌های عربستان و در کل شوراهای همسایه خلیج فارس را در مورد توافق هسته‌ای با ایران کاهش داد. معتقدان ایران در منطقه، این کشور را متمم‌مند کنند که
جنب نیابی و گونهشناسی رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان

رقابت ایران و عربستان برای نفوذ منطقه‌ای سبب شده مناقشه‌های موجود از جمله در سوریه و ایران شده است (سالسبوری، 2015: 1). بحران بین‌ریزی و قدرت‌پذیری حوزه‌ها در یمن برای سعودی‌ها هدف‌گذاری و وجود نماسقرا وحشتناک از جمله مناطق ملی شیعیان عربستان خواهد بود. برای در کابینه سیاسی و رژیم‌آمیزی و هزینه‌مندی منطقه‌ای بوده است (آریتز، 2009: 70). از زمان آغاز موج انقلابی در جهان عرب، سعودی‌ها برتغل نفتخیز قدرت بودند.
مناطقهای طرفدار حفظ وضع موجود و وایپ گرایا، مطابق منافع خود بارها به عنوان نیروی انقلابی و در برخی موارد نیز به عنوان نیروی ضد انقلابی عمل کرده‌اند (برتی، 2014: 326).

عربستان به دلایل مختلف ایران را تهدید امنیتی و سیاسی مهم در منطقه می‌داند. نخستین دلیل، به تمایل ایران برای ایجاد سامانه‌ای در خلیج فارس فارغ از مداخله خارجی مربوط می‌شود. سعودی‌ها به دنبال مهار نفوذ ایران در خوزستان هستند که حوزه نفوذ تطبیقی خود در دانستند. در این فضای، عربستان برنامها هم‌هسته‌ای ایران و تأثیر بالقوه آن بر شکل دنیا دستوری منطقه‌ای را نیز تهدید می‌داند. از دید سعودی‌ها، بلدپرازی‌های ایران و توامن‌های نظامی آن ممکن است به تشکیل نفوذ این کشور بر اوپک و اقامت شیعه عربستان منجر شود (نصر، 2006: 59).

پس از تبدیل تحولات انقلابی جهان عرب به چنگ‌های داخلی، حویله‌های رقابت و تقابل ایران و عربستان از لبنان و فلسطین به سوریه، عراق، بحرین و اسیر این هدیه شد. به‌گونه‌ای که این حویله‌ها به میزان جنگ نیابتی این دو رقیب منطقه‌ای و ایدئولوژیک تبدیل شده‌اند. اگرچه عربستان و ایران برای شکل دهی به توزان نوا در خارج میانه تلاش می‌کنند، اما هر دو کشور به دنبال پنهان‌سازی کشمکش‌های خود از طریق جنگ نیابتی و قدرت نرم هستند. بهره‌گیری این دو کشور از چنگ‌های داخلی از طریق شیوه‌های تلویزیونی و حمايت مالی از مخالفان و دست‌نگاره‌های داخلی در قابل جنگ نیابتی قابل توجه است. برای نمونه، ایران در میان شیعیان عربستان نفوذ‌دارد و عربستان نیز با بلوجها و اقامت عرب در خوزستان پیوند‌هایی دارد (برتی، 2014: 30-31).

ایران و عربستان در پیشردش بازی بزرگ خود به منظور تضعیف یکدیگر وارد مجموعه‌ای از چنگ‌های نیابتی شده‌اند که شدت آنها با یکدیگر متفاوت است. چنگ نیابتی و رقابت‌های ایران و عربستان را می‌توان در سه حوزه ایدئولوژیک، زوئولیتیک و زوئاگونومیک چنین تشخیص کرد:

الف) حوزه ایدئولوژیک

هرچند عنصر عرب با فارس بودن بر روابط ایران و عربستان پیش و پس از انقلاب اسلامی تأثیری داشته، اما تفاوت‌های مذهبی بر تش میان دو کشور تأثیر جدی‌تری داشته‌
و پس از پیشروی انقلاب این موضوع عامل تشکیل رقابت‌های زئوپلیتیک، زئوکونومیک و زئوپلیزیک میان آنها بوده است. در حال حاضر، مسئله رهبری جهان اسلام از یک سو و اختلاف بر سر تفسیر اسلام، تأثیرگذارترین عامل بر روابط عربستان و ایران بوده است. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات عراق پس از صدام که به قدرت‌بایی شیعیان عراق انجامید، تغییرات عمده‌ای در نظر گرفته شد. شیعیان عراق موضعی شیعیان را در منطقه تقویت کردند. شکست و سرنگونی طالبان و حکومت بعضاً عراق که به عنوان حذف دو دشمن اندولوزیک و راهبردی ایران از نقش سیاسی منطقه بود، نگرانی سعودی‌ها را به بیشتر کرد. عربستان نگران خیزش اقیان شورای عراق خود (10 تا 15 درصد کل جمعیت عربستان) به‌ویژه پس از گسترش تحولات انقلابی در جهان عرب است. شیعیان عربستان اقیان شورای عراق خود در قبال شیعیان عراق نگرانیشان را به اشتغال طرفین و روند هیویت‌گرایی آنها می‌تواند در محدوده پروانه عربستان و سطح منطقه به ویژه زئوپلیتیکی داشته باشند. حکومت عربستان را به‌ویژه از قبیل شیعیان را به شکست بیانی نخواهد داشت. شیعیان عربستان را به‌ویژه از مناطق نفت‌خیز و راهبردی عربستان می‌تواند داشته باشند.

زاک‌گریزی می‌کند (نیکو، 1392: 85-87-88).

بعد مذهبی که به عنوان یک مؤلفه جنگ فرهنگی مطرح است، از سوی ایران مطرح می‌شود؛ یعنی ایران بر وحدت امت تأکید می‌کند و در ویژگی‌های مذهبی تأکید ندارد، ولی بر عکس عربستان به‌ویژه از عنصر مذهبی تأکید دارد. عمده نگرانی عربستان از قدرت‌بایی شیعیان در کشورهای منطقه در مورد زیر ریشه دارد:

1. عراق: سعودی‌ها با دولت عراق پس از صدام روابط حسن‌الاحسان داشته‌اند و برای مقابله با جابه‌جایی مؤثر ایران در عراق، از گروه‌های سلفی و داعش پشتیبانی کرده‌اند. علت و همانی بارها از سوی دو دلیل، عراق حمایت کرده‌اند:

2. سوریه: جبهه تحت رهبری عربستان در منطقه اعتقاد دارد ایران، لبنان، عراق و سوریه یک هلال شیعی را تشکیل داده‌اند به همین دلیل از گروه‌هایی مانند داعش و القاعدابه حکومتات سودای حمله‌های چند جرئت است.
3. لبنان: دولت عربستان در لبنان از جریان‌های سلفی و گروه‌های ضدمقاومت مانند ائتلاف ۱۴ مارس علیه جوامع حمایت جدی کرده است.

4. یمن: دستاوردی‌های سیاسی شیعیان حوثی در یمن در سپتامبر ۲۰۱۴ بر درک از تهدید سعودی‌ها در همسایگی خود افزود. مرزهای مشترک و بی‌بیچ قدرت‌بافی حوثی‌ها (در همگونی استراتژی شیعیان عربستان) و افزایش اطرافگرایی ایران در یمن عوامل است که سعودی‌ها را به نقش آفرینی جدی و حملات هواپیمایی در یمن علیه حوثی‌ها در سال ۲۰۱۵ واداشته است.

5. بحرین و مناطق شیعیان عربستان: پس از آغاز خیزش‌های مردمی در جهان عرب، عربستان با نارضایتی سیاسی گسترده به‌ویژه در بحرین و مناطق شیعیان روی آورده و نیروهای خود را به منظور کمک به سرکوب مردم اعزام کرده است (نظری، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

6. افغانستان: عربستان در کنار امارات متحد و پاکستان جزء کشورهایی بوده‌اند که کمک‌های مالی فراوانی را در اختیار طالبان قرار داده‌اند. عربستان به عنوان پدر معنوی سلفی‌ها و بنیادگرایان اسلامی و ضدشعیانی به دنبال حمایت از افرادگرایی و نامناسبی محفظه‌ای امنیتی ایران است.

بر این اساس، در بسیاری از حوزه‌های فوق، میان ایران و عربستان جنگ نیابتی وجود دارد.

(ب) حوزه زئولپیتیک

1. مصر: هنگامی که خیزش‌های مردمی به مصر کشیده شد، ایران و عربستان هر دو به این حوادث متمایل شدند. پس از سرنگونی مبارز، عربستان در سیستم‌های منطقه‌ای بیانگر دخیل شد و زیرا دیگر نمی‌توانست در مقابل ایران به اینجا نقش جدی مصر پس از مبارز تکه‌گر کند. برخلاف ستایش‌های ایران از خیزش مردمی در مصر، سعودی‌ها به دفاع از حکومت مبارز برخاستند و در کودتای نظامی زنرال السيسی علیه مرسي نقش اساسی ایفا کردن و تا بخشی از اهداف خود در مقابل ایران و اقبول تاریخی صورت گرفت.

2. بحرین: بحرین مرکز مهم رقابت زئولپیتیک عربستان با ایران است. این کشور به رغم اکثریت شیعه، تحت حاکمیت یک خاندان سلطنتی مست قرار داشتند. قرار داشتن بحرین در هم‌جواری عربستان و شیعه بودن اکثریت جمعیت آن سبب شده تا عربستان توجه ویژهای
به بحرین داشته باشند. بحرین در حوزه فوری زلوپیلیک و زلووستراتژیک ایران در منطقه حساس خلیج فارس قرار دارد.

۲. سوریه: این کشور نقطه حیاتی در اتصال راهبردهای ارتباطی ایران به منطقه می‌باشد و خاور نزدیک دارد و حلقه مهم محور مقاومت است. با بررسی نمایشگری‌ها در سوریه در سال ۲۰۱۱ سعودی‌ها به منظور میان‌رخ‌سازی چالش‌های راهبردی خود در این کشور، حمایت از گروه‌های ترویجی را در دستور کار قرار دادند. داعش که با حمایت گسترده عربستان و متحده غربی و عربی این کشور پی گرفته، بخشی از نیروهای از سوریه و عراق را به کنترل خود در آورد. عربستان و متحده غربی از انتقال نمایشی علیه داعش ایجاد کرده‌اند و سعودی‌ها تأکید کرده‌اند این انتی‌لیف حضور نداشته باشد.

۴. فلسطین و لبنان: رهبران سعودی و وحشت دارند ناکامی در منطقه فلسطین سبب ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران شود. به دلیل حمایت ایران از گروه‌های مقاومت فلسطینی، جایگاه منطقه‌ای عربستان آسیب دیده است. بر این اساس، عربستان حجم چشمگیری از منابع مالی را به هدف تضعیف گروه‌های مقاومت فلسطینی به حکومت خودگردان در کرانه باشی در اختیار داده است. این در حالی است که ایران به مسئله فلسطین از زاویه آزادی قدس به عنوان قبیله اول مسلمانان جهان نگریسته و اساساً وقیع بر رقابت‌های حزبی نگذشت. است; چه اینکه در تهران هم نمایندگان مقاومت فلسطینی حضور دارند. هم نماینده تشکیلات خودگردان فلسطینی اما در عربستان وضع به این شکل نیست. از سوی دیگر، ایران از حزب‌الله به عنوان گروه مقاومت ضد حضور فیلسطینی حمایت سیاسی و نظامی کرده و عربستان از زمان ترور رفیق حریری، مداخله‌خود در لبنان را از طریق حمایت جدی از انتی‌لیف ۱۴ مارس - ۷ رقابت تشکیل‌آمیزی با حزب الله دارد - افزایش داده است;

۵. عراق: این کشور تأثیرگذاری جدی در سطح منطقه‌ای دارد که دلیل آن جایگاه زلووستراتژیک آن و موقعیت سیاسی - مذهبی آن در جهان شش باندی در این دیده‌بانی افزایش باشند. در حالی که حکومت شیعی در بغداد و دارای روابط حسن‌های با ایران می‌تواند به طور بالقوه برای منافع سعودی‌ها در سراسر منطقه محسوب پذیر شود. گروه ترویجی داعش در سوریه از فرصت سازی‌های ترویجی سعودی‌ها در عراق بهره بردند تا بتوانند به خاطر عراق را تحت کنترل خود درآورند.
6. یمن: جنبش حویشیا با تفسیری از مذهب زیدیه و در واکنش به گسترش اندیشه و هواپیم در یمن شکل گرفت. شهید حسین الحوثی سال 1993 به پارلمان یمن راه یافت و به منظور مقابله با گسترش و هواپیم و سلفی‌گری، حزب الشباب المومن را تأسیس کرد. نزدیکی رژیم علی عبدالله صالح رئیس جمهور سابق یمن به سعودی‌ها سبب گسترش حضور و نفوذ و هواپیم ـ به‌رغم جمعیت اندکشان ـ در یمن به‌ویژه در پارلمان این کشور شده بود. این شرایط حتی مطلوب سنی‌های یمن نیست زیرا شافعی‌ها که اکثراً جمعیت سنی یمن را تشکیل می‌دهند مانند شیعیان از مخالفان سلفی‌ها به شمار می‌رودند و برخی از گروه‌های شافعی یمن نیز در کنار حویشیا ها به‌پدره دوستی می‌پرداخته‌اند. در جنگ ششم «صعده» یا «عملیات زمین سوخته» (2009-2010) حکومت یمن با مبارزان حویشیا در گیر شد. حتی ارتش عربستان نیز علیه حویشیا وارد جنگ شد که البته برخی تحلیل‌گران این جنگ را جنگ نیابتی ایران و عربستان توصیف کردند.

در بحث گفتگونی ژنویلیک، جمهوری اسلامی ایران با هدف تقویت همگرایی، قائل به ایجاد سیستم امنیتی با حضور کشورهای منطقه و به دور از حضور نیروهای بیگانه است و این حيث با استقبال افکار عمومی منطقه مواجه شده ولی عربستان قائل به حضور بیگانگان برای ایجاد سیستم امنیتی منطقه‌ای است.

ج) حوزه زنوکونومیک

ارزان و عربستان از نظر ترکیب ذخایر نفت و گاز طبیعی، تقريباً وضعیت مشابهی دارند و ایران در این بخش از میزبان راهبردی قرار داشت. برخی از دولت‌ها در خلیج فارس و خلیج فارس برخورد آست و کنترل تنهایی را که حدود ۴۰ درصد نفت جهان از آن می‌گذرد، در اختیار دارند. تحریم‌های امریکا تولید نفت ایران را کاهش داده و در عین حال موانع سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش‌ها است که این موضوع به عربستان به عنوان عضو مهم اوپک مسیب قرار داده است. در این مسیر، عربستان از نفوذ خود در بازارهای ارزی برای کاهش قیمت نفت و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز به‌ره برد است. عربستان مطالب راهبردی مسئول و هماهنگ با امریکا در سال 2011 تلاش کرد با ایجاد فضایی تحریم‌های نفتی علیه ایران، خلا نفت ایران در اروپا و آسیا را جبران کند. کشورهای عربی خلیج فارس در این راهبرد
نقش آفرینی کردن. در فضای تحریم‌های نفتی علیه ایران، عربستان که حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کرد، چرخش کلی تولید خود را به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز رساند. عربستان تلاش می‌کند مطالب رویکردهای نقابی و تقابل آمیز سلاح نفت به منظور پیشرفت اهداف راهبردی خود در نبرد زنایکومونیک علیه ایران به‌پره‌بازاری کننده باشند و شکست‌های خود را در حوزه‌های ایدئولوژیک و زنایکومونیک دستاوردهایی داشته باشند و شکست‌های خود را در منطقه جیران کند.

تبيین نظری انتگرالی رقابت‌های منطقه‌ای بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان

جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان بر محور اتحاد مجزایی این در کشور با بزرگترین دولتی یا حتی با بزرگ‌ترین غیردولتی استوار است. به عنوان نمونه، بازیگری دولتی مانند حکومت عراق و بازیگری غیردولتی مانند حزب الله لبنان بخشی از محور اتحاد ایران در جنگ نیابتی در برابر عربستان و متحدانش به شمار می‌رسند. در مقابل، بازیگری دولتی مانند امارات متحد و بازیگری غیردولتی مانند داعش پیش‌برنده اهداف عربستان در جنگ نیابتی در برابر ایران و متحدانش هستند. ایدئولوژی‌های شیعه و سنی در شکل‌دهی اتحادهای این دو کشور در جنگ نیابتی نقش محوری دارند (عسگرخانی، ۱۳۹۱: ۱۷). اتحادها و صفح‌بندی‌های عربستان و ایران در مقابل یکدیگر زمینه‌ساز جنگ نیابتی و حتی تبدیل آن به جنگی تمام‌عیار است. در کشور به دلیل رقابت‌های ایدئولوژیک، زنایکومونیک، زنایستاتیک و زنایکومونیک بی‌اعتلاف در مقابل یکدیگر دست زده‌اند. اگرچه ایدئولوژی‌های مشترک، محور اتحادهای عربستان و ایران در مقابل یکدیگر است، اما در مواجهه با تهدیدهای بزرگ بی‌تعداد مشترک پافشاری نخواهند کرد و حتی متحدی با ایندوزی متفاوت برای خود برگزینند. اقام عربستان در شکل دیگر جبهه مشترک با اسرائیل در برابر توافق‌های ایران، نمونه‌ی چنین رفتاری است که به‌هرغم عدم شکاک ایدئولوژیک، اشتراک در تهدید دارد.

مطابق نظریه موادی به تهدید ولت باید گفت شکل‌گیری اتحادها توسط ایران و عربستان در مقابل یکدیگر پاسخی به تهدیدهایی است که این دو کشور از یکدیگر احساس می‌کنند. آنها صرفاً از افزایش قدرت منطقه‌ای را مد نظر قرار نمی‌دهند و رفتارشانی آنها نشان‌دهنده‌توازن تهدید» این دو کشور در برابر یکدیگر است. در بررسی اتحادهای عربستان و ایران با
محدودان دولتی و غیردولتی خود نیز درمی‌باهم و به عامل اصلی تهیه‌می‌شوند و منافع مشترکی وجود دارد که به این اتحادها در جنگ‌های نیابتی قوام می‌دهند.

در تبیین نظریه جنگ نیابتی، عربستان و ایران از طرف‌های ثالث به عنوان دست‌نشانده یا نابی استفاده می‌کنند. البته ریاض و تهران می‌کوشند که کارگیری طرف‌های ثالث به اندمازه‌ای باشد که به جنگ تمام‌بر عضوی نشوید و تا حد ممکن از کشیده‌شدن این جنگ‌های نیابتی به داخل خاک خود جلوگیری و یا آن را مدیریت کنند. همچنین در صورت بروز جنگ تمام‌بر عیان عربستان و ایران، بر شدت جنگ‌های نیابتی افروزد خواهد شد، زیرا قطعیاً غیرممکن است که یک جنگ کاملاً نیابتی باشد، زیرا گروه‌هایی که به نیابتی از عربستان یا ایران می‌گذرند، معمولاً منافع خود را پیش می‌برند که از این منافع دو کشور در تضاد باشند. نمونه‌های مثالی داشت که در صورت و عراق است که به رغم پیشرفت منافع عربستان در جنگ نیابتی علیه حکومت‌های سوريه و عراق (محدودان ایران)، به نوعی به تفکر وری سعودی‌ها نیز تبدیل شد است. همچنین تشدید جنگ‌های داخلی سوريه، عراق و یمن به مداخله بازی‌گران دولتی یا غیردولتی مورد حمایت عربستان و ایران منجر شد.

رقابت‌های عربستان و ایران که ریشه اصلی آن رقابت‌های سنی و شیعی و تضادهای ایدئولوژیک است، ریشه در فراکسیون‌های تاریخی - ایدئولوژیک متداول ایند کشور داشته که به عنوان طلای‌داران رهبری جهان اسلام وارد رقابت‌های پرشور ایدئولوژیک شده‌اند. این رقابت‌ها به حوزه‌های زنده‌شکنیک، زنواستانیک و زنوازه‌میک نیز کشیده شده است.

گرایش‌های ملی گروه‌نامه عربستان و ایران نیز که مشترک رقابت‌های نژادی - تاریخی عرب و فارس است، بر شدت رقابت‌های این دو کشور افزوده است. جنگ‌های نیابتی به عنوان راهی ظاهری‌ای در به لحاظ اقتصادی کم‌پرداز تر در تداوم دشمنی‌های عربستان و ایران و جلوگیری از برخور جنگ تمام‌بر میان آنها به کار گرفته‌شده‌اند، اما به هر حال این نوع جنگ پتانسیل تبدیل به جنگ تمام‌بر را داراست.

جنگ نیابتی عربستان و ایران به منظور کسب و گسترش نفوذ در یک حضور قابی مشترک صورت می‌گیرد و که این دو کشور تلاش می‌کنند در زنده‌شکنی، برایی خود بازی را پیش برند و از گسترش تنقند و قشنگش به زنده‌شکنی داخلی خود پرهیز و تا حد امکان آن را مدیریت می‌کنند. جنگ‌های نیابتی عربستان و ایران با اهدافی دیگر از جمله فرسایش
تغییر داده و از سوی دیگر قدرت‌های برگ بر جادوگری بحران پناه‌جویان به این باور رسیدند
که برای حل این بحران‌ها نیازمند همکاری بزرگی منطقه‌ای و فرامتازی‌های هستند.

بحران‌های اخیر منطقه‌ای به‌ویژه بحران سوریه که از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ آغاز شده است، منجر به ورود گروه تخربی عربی‌ستان، ترکیه و قطر در بیش از پنج سو ایران، روسیه و حزب‌الله در مبارزه با تروریسم از سوی دیگر شد. در نتیجه چنین ورودی، دو جبهه موازی در خصوص بحران سوریه شکل گرفت: عربی‌ستان، ترکیه و قطر به نیابت از امیرکا و غرب به کمک به تروریست‌ها و تلاقی بار براندازی حکومت‌های سوریه و بشار است اقدام کردند;

یوگونه‌ای که در طول ۲۵ سال گذشته رقم باین‌نکردی "۳۵ میلیارد دلاری را در این استراتژی و اقدام هیئت زکه‌کرده‌اند. از سوی دیگر جمهوری ایران، روسیه و حزب‌الله به کمک سوریه شتاب‌دادند و توانستند از نفوذ داعش و گسترش آن جلوگیری کنند. روسیه از تروریست‌هایی که از چگونگی آسیب می‌پذیرد به سبب ورود پیدا کرده‌اند، بیهم دارد: به ویژه اگر امریکا و غرب بخواهد این گروه‌ها را در مسیر بازگشت‌شان از سوریه به کشورهایشان، علیه امنیت روسیه در آسیای میانه و بقای اقدامهای تروریست‌ها را از بین ببرد و در هیمن راست‌ا موفقیتهایی بر نظری به

ایران تلاش داشت تروریست‌ها را از بین ببرد و در همین راستا موفقیتهایی بر نظری به

دست آورد. ایران نیز همان‌گونه که در سوریه با تروریست‌ها مبارزه می‌کرده به عراق هم کمک کرده و منبع گسترش بیش از پیش تروریست‌ها در مناطق مختلف عراق شد. با توجه به این

اقدامات، شاهد شکل گیری دو جبهه در منطقه بودیم که مقابل هم قرار گرفتند و هرکدام سعی

در پیروزی استراتژی خود داشتند.

ورود روسیه به بحران سوریه با جنگ‌شده‌ها و موشک‌های بی‌طرفت موجب جنگ شکست برخی از گروه‌های تروریستی و باید گزیند منطقی مهیا از سوریه پس از دو سال مست. از یک

سو اقدام گروه‌های تروریستی مانند داعش در انفجارهای پاریس، امکان همکاری علیه روسیه را بی‌راهم آورد و از سوی دیگر، عربستان به این تلفی که دولت سوریه هم‌مانند قدرت‌مند

است و با حمایت ایران، روسیه و حزب‌الله شکست‌های سنگینی را بر تروریست‌ها تحمیل

کرده‌اند، درصد تغییر موضع پرا آمد. در آن سو، ترکیه با سرنگونی جنگ‌شده سوخو ۲۴ روسی،

در انتصاب سیاسی قرار گرفت. به‌دنبال ترکیب جبهه مقابل با ضعف اساسی و پرآهنگی نیروها

موارش شد، اما موقعیت ایران در پرتو شکست داعش و ورود مقترنی روسیه به بحران و
باپیس‌گیری برخی مناطق سوریه، سبب به‌هود جبهه‌ای ایران شد و عربستان با این تلقی واقعیت مواجه شد که ایران باپیس‌گیری مهم و تأثیر‌گذار در منطقه و سوریه است. به رغم اینکه دخالت روسیه با سیاست‌های عربستان در تعارض است این دخالت به شکل ضمنی فوایدی برای عربستان به همراه داشته است. در مقابل بی‌میلی‌ایmerica به ورود به برخی معادلات منطقه‌ای، روسیه میل شدیدی به دخالت به نفع یک طرف دارد و این بر موازنه ایران و عربستان تأثیر قابل توجهی داشته است (روزنامه ابتکار، ۱۳۹۵).
نتیجه‌گیری

عربستان و ایران به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره به عنوان دو نقطه در منطقه خلیج فارس نقش آفرینی کرده‌اند. ترددی نیست که عربستان و عراق صدام با یکدیگر متحد نباشد. اما مسئولی‌ها در عین حال نمی‌خواستند شاهد سقوط صدام باشند. سقوط صدام برای آن‌ها به منزله پیان سلطه سنی‌ها بر عراق و کمک به قدرت‌پذیری شیعیان و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در منطقه بود. عربستان، ایران را به مداخله در کشورهای عربی و تحریک نالازمانی به تهدید و آن را در راستای کاهش نفوذ و نقطه منطقه‌ای خود و حتی تهدید وجودی برای حکومت‌های همسایه خلیج فارس می‌داند.

پس از تبدیل تحولات انقلابی جهان عرب به جنگ‌های داخلی، حوزه‌های رقابت و تقابل ایران و عربستان از لبنان و فلسطین به سوریه، عراق، بحرین و بیشتر کشورهای عربی این حوزه‌ها به میدان جنگ نیابند این دو رقابت منطقه‌ای و ایدئولوژیک تبدیل شدیداند و به‌تدریج رقابت ایران و عربستان به سایر حوزه‌ها گسترش پیدا کرده است. گرایش‌های ملی گروه‌های عربستان و ایران نیز که مبتنی بر رقابت‌های نزدیک تاریخی عرب و فارس است بر شدت رقابت‌های این دو کشور افزوده است. اتحادها و صف‌بندی‌های عربستان و ایران در مقابل یکدیگر زمینه‌ساز جنگ نیابند و حتی احتمالاً تبدیل آن به جنگی تمام‌عبار است. دو کشور به دلیل رقابت‌های ایدئولوژیک، زنوازی‌پذیری، زنوازی‌پذیری و زنوازی‌پذیری به اتحاد و انتلاف در مقابل یکدیگر دست زده‌اند. اگرچه محرور اتحادهای عربستان و ایران در مقابل یکدیگر ایدئولوژی مشترک است، اما در مواجهه با تهدید‌های بزرگ بر ایدئولوژی مشترک باقی‌مانده نخواهد کرد و حتی متعادل با ایدئولوژی متفاوت برای خود برمی‌گردد. همه اتحادهای ایران مبتنی ایدئولوژیک دارد ولی عمدتاً اتحادهای عربستان در برابر تهدید اما بر پایه چشمانداز پولی است و برتری میدانی ایران به این نکته برمی‌گردد. اتحاد ایران با گروه‌های نیابتی عقلانی است در حالی که اتحادهای عربستان احساسی بوده و به همین دلیل آسیب‌پذیر است که نمونه‌اند انفجارهای داعش در عربستان و ترکیه است.

رقابت عربستان و ایران در حوزه زنویویل‌زی‌پذیری به بین‌گرایی‌های مذهبی و در نوع شدید آن به توربیسم مذهبی منجر شده که اوج آن ظهور دولت اسلامی (داعش) است. در حوزه زنویویل‌زی‌پذیری، ایران با هدف تقویت همگرایی قائل به ایجاد سیستم امنیتی با حضور کشورهای
منطقه و به دور از حضور نیروهای بیگانه است اما عربستان قائل به حضور بیگانگان برای ایجاد سیستم امنیتی منطقه‌ای است. این در حالی است که عربستان سعی کرده مطابق رویکردی تقابل آمیز از سلاح نفت به منظور پیشبرد اهداف راهبردی خود در نبرد زئوالکومیکی عليه ایران بهره‌برداری کند تا بازیابد در حوزه‌های ایدئولوژیک و زئولوژیکی دستاوردیهای داشته باشد و شکست‌های خود را در منطقه جبران کند.
کتابنامه

ازغنی، علیرضا؛ روشن‌دی، جلیل (1391). مسائل نظامی و استراتژیک معامله. تهران: انتشارات سمت.

پریسی فارسی (1384). حسن روحانی در مسیر برداشته از جامعه غربیت با پیمان انقفاد کرد.

پایگاه خبری - تحلیلی پارسی به (1392). تنش و زیه شمخانی در معماری رابطه با غربیت.

چمکنار، محمدجوفر (1389). بزیم دکترین نیکوسن بر منطقه خلیج فارس و سیاست خارجی معمدپرداز

پلیوی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معامله ایران.

روزنامه ایپکار 1395/3/27

روزنامه ایپکار 1395/2/13

روحي دهنه، مجید (1391). تفکیک سازمان‌گرایانه از علی واکری ایران و شورای همکاری خلیج فارس.

فصلنامه روابط خارجی. سال 4. شماره 1.

زراعت پیشه، نجفی (1385). برآورد استراتژیک خبریت سنگویی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات

بین المللی ایران معامله.

ساتنی، ندا (1394). روابط ایران و خبریت تحلیلی به انجا رساندی. پریسی فارسی.

عسگرخانی، امیرمحمد پاپایی، محمود (1391). انتی هستی شناختی و مسائل ابتکاری خلیج فارس بعد

از انتقال اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. دوهر دوم. شماره چهارم. صص

173-174.

قام، سید علی‌علی‌ی‌ی: ایمانی، همت (1391). نظریه ریالیستی اتحاد در روابط بین الملل. مجله رهیافت‌های

سیاسی و بین‌المللی. شماره 2. صص 37-36.

قدمی، محمدصادق (1386). ایران و شورای همکاری خلیج فارس. روزنامه ایپکار. شماره 1555.

منقی، افشین (1394). واکاوی زمینه‌های ناسازگاری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازگاری.

فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال 20. شماره 12.


میرزایی، جلال‌الدین، احسان: خواجاتی، محمود حسنی (1393). تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. دوهر چهارم.

DOI: 10.20286/priw-0402151

شماره دوم. صص 1-151. 176-179.

نادری‌نسب، پرویز (1389). چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه. فصلنامه

سیاست. مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی. جلد 40. شماره 1. صص

315-323.

نظریه، علی‌شیری قربانی، لقمان (1393). شکاف‌های فرهنگی و مناطق ایدئولوژیک در کشورهای عرب

خاورمیانه با تأکید بر تحولات سیاسی 2014-2015. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. دوهر

DOI: 10.20286/priw-0404163

چهارم. شماره 5. صص 138-183.


